

## تحلیل شخصی من از قانون حداقل روزهای معاملاتی در پراپ‌فرم‌ها: و رای سود، در جستجوی پایداری

در حین فعالیت به‌عنوان تریدر در پراپ‌فرم رابین سود، برای من یک سؤال جدی شکل گرفت:

«چرا صرفاً سود کردن برای عبور از چالش کافی نیست و قانون حداقل روزهای معاملاتی این قدر جدی گرفته می‌شود؟»

برای پاسخ به این سؤال، تصمیم گرفتم این قانون را به‌صورت جدی بررسی کنم. در این مسیر:

- مستندات و قوانین رسمی رابین‌سود درباره قانون Minimum Trading Days را با دقت مطالعه کردم،
- سؤال‌ها و ابهاماتم را مستقیماً با تیم پشتیبانی رابین‌سود در میان گذاشتم،
- و سعی کردم توضیحات آن‌ها را با مفاهیم آماری، رفتاری و منطق بازارهای مالی تطبیق بدهم.

آنچه در این نوشته می‌آید، جمع‌بندی تحقیق شخصی من و نتیجه گفت‌وگوهایم با پشتیبانی رابین‌سود است؛ بنابراین، لحن متن عمداً «تحلیلی اما شخصی» است و در جاهایی صریحاً می‌گویم «برداشت من» یا «جمع‌بندی شخصی من» از این قانون چیست.

### ۱. چرا فقط سود کردن مهم نیست؟

در دنیای پویای بازارهای مالی، پراپ‌فرم‌ها (Proprietary Trading Firms) نقش کلیدی در تأمین سرمایه و شناسایی استعدادهای معاملاتی ایفا می‌کنند. اما خیلی زود، مخصوصاً هنگام تجربه مستقیم چالش‌ها، متوجه شدم که صرفاً سودآوری، معیاری ناکافی برای سنجش توانایی یک تریدر محسوب می‌شود.

قانون «حداقل روزهای معاملاتی» و شاخص‌های مرتبط با «رفتار معاملاتی»، سازوکارهایی هستند که برای اطمینان از پایبندی تریدر به اصول مدیریت ریسک، ثبات در معاملات و تکرارپذیری عملکرد طراحی شده‌اند. این قانون، فراتر از یک محدودیت دست‌وپاگیر، در عمل یک چارچوب برای اعتبارسنجی واقعی مهارت‌های تریدر است.

در گفت‌وگو با پشتیبانی رابین‌سود، یکی از اولین نکاتی که به آن اشاره کردند این بود که:

«سودآوری کوتاه‌مدت، به خودی خود هیچ تضمینی برای مهارت پایدار در معامله‌گری نیست.»

سود در بازارهای مالی می‌تواند نتایج عوامل مختلفی باشد:

#### • شانس (Luck):

در معاملات، به‌خصوص در کوتاه‌مدت، ممکن است یک تریدر با اتکا به شانس محض، سودهای قابل توجهی کسب کند. این سودها منعکس‌کننده مهارت یا درک عمیق از بازار نیستند و قابل تکرار نخواهند بود.

#### • ریسک‌پذیری بیش از حد (Excessive Risk-Taking):

یک تریدر ممکن است با پذیرش ریسک‌های بسیار بالا، سودهای کلان کسب کند. این رویکرد در بلندمدت پایدار نیست و احتمال وقوع زیان‌های سنگین و جبران‌ناپذیر را افزایش می‌دهد.

#### • معاملات نمایشی (Show-off Trades) یا معاملات صرفاً برای پر کردن روز (Fill-in Trades):

تریدر ممکن است صرفاً برای برآورده کردن الزامات (مانند حداقل تعداد روز معاملاتی) دست به معاملات بی‌هدف، با حجم پایین یا با هدف کسب سود ناچیز بزند. این معاملات تصویر واقعی از توانایی‌های تریدر ارائه نمی‌دهند. پشتیبانی

رابین سود تأکید می‌کند که یکی از اهداف طراحی پارامترهای این قانون، دقیقاً شناسایی و حذف همین «معاملات نمایشی» است.

### • نتایج ناشی از نوسانات مقطعی بازار (Market Fluctuations):

گاهی بازار دچار نوسانات شدیدی می‌شود که حتی بدون داشتن استراتژی معاملاتی قوی، امکان کسب سود را فراهم می‌کند. این سودها به استراتژی یا مهارت تریدر مرتبط نیستند.

پراپ‌فرم‌ها، از جمله رابین‌سود، به دنبال تریدرهایی هستند که بتوانند به‌طور مداوم و با مدیریت ریسک صحیح، سودآوری پایدار داشته باشند. سود صرف، بدون در نظر گرفتن نحوه کسب آن، می‌تواند فریبنده باشد. این قانون با تمرکز بر «رفتار معاملاتی»، تلاش می‌کند از سودهای اتفاقی یا پرریسک جلوگیری کرده و بر جنبه‌های پایدار و تکرارپذیر موفقیت در معاملات تأکید کند.

### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

بر اساس تحقیق خودم و توضیحات پشتیبانی رابین‌سود، به این نتیجه رسیدم که قانون حداقل روزهای معاملاتی، در اصل علیه «سود شانس» و «رفتارهای پرریسک و نمایشی» طراحی شده و می‌خواهد اطمینان حاصل کند که سود تریدر، محصول یک فرآیند قابل تکرار است، نه چند اتفاق خوب پشت‌سر هم.

### ۲. چرا رفتار معاملاتی مهم‌تر است؟

بعد از اینکه برای خودم روشن شد «سود به‌تنهایی کافی نیست»، سؤال بعدی‌ام این بود:

«پس از نگاه یک پراپ‌فرم حرفه‌ای مثل رابین‌سود، دقیقاً چه چیزی مهم‌تر از سود است؟»

در گفت‌وگوی بعدی با پشتیبانی رابین‌سود، توضیح اصلی آن‌ها این بود که تمرکز واقعی روی «رفتار معاملاتی» (Trading Behavior) است؛ یعنی الگوی تصمیم‌گیری، مدیریت ریسک، ثبات در اجرای استراتژی و نحوه واکنش تریدر به شرایط مختلف بازار در طول زمان.

رفتار معاملاتی مجموعه‌ای از الگوها و تصمیماتی است که یک تریدر در طول زمان اتخاذ می‌کند. این رفتار نشان‌دهنده استراتژی، انضباط، مدیریت ریسک و توانایی انطباق تریدر با شرایط بازار است. اهمیت رفتار معاملاتی از جنبه‌های زیر ناشی می‌شود:

### • تکرارپذیری (Repeatability):

موفقیت واقعی در معاملات، نه بر اساس یک معامله خوب، بلکه بر اساس توانایی تکرار مداوم فرآیندهای سودآور و مدیریت صحیح ریسک‌ها استوار است. رفتار معاملاتی پایدار، نشان‌دهنده وجود یک سیستم یا استراتژی قابل اتکاست.

### • مدیریت ریسک (Risk Management):

پارامترهایی مانند حجم معاملات، تعداد معاملات و «قدر مطلق برآیند روزانه/معامله» مستقیماً به نحوه مدیریت ریسک توسط تریدر اشاره دارند. یک تریدر حرفه‌ای می‌داند چگونه ریسک خود را کنترل کند تا از زیان‌های سنگین جلوگیری نماید.

### • انضباط (Discipline):

پایبندی به قوانین معاملاتی، عدم انجام معاملات هیجانی و رعایت استراتژی، همگی بخشی از انضباط معاملاتی هستند. قانون حداقل روزهای معاملاتی، تریدر را وادار می‌کند با رویکردی منضبط و باثبات معامله کند. پشتیبانی رابین‌سود چند بار روی این نکته تأکید داشت که «توانایی رعایت این قانون خودش یک تست انضباط است».

#### • توانایی انطباق (Adaptability):

بازارهای مالی پویا هستند و دائماً در حال تغییر. رفتار معاملاتی یک تریدر حرفه‌ای نشان‌دهنده توانایی او در انطباق با شرایط جدید بازار، بدون زیر پا گذاشتن اصول بنیادین مدیریت ریسک است.

#### • قابلیت پیش‌بینی (Predictability):

پراپ‌فرم‌ها به دنبال تریدرهایی هستند که عملکردشان تا حدی قابل پیش‌بینی باشد تا بتوانند مدیریت بهتر سرمایه و ریسک کلی مجموعه را انجام دهند. رفتار معاملاتی پایدار، قابلیت پیش‌بینی عملکرد تریدر را افزایش می‌دهد.

به عبارت دیگر، سودآوری یک «نتیجه» است، در حالی که رفتار معاملاتی، «فرآیند» و «علت» آن نتیجه است. پراپ‌فرم‌ها به دنبال درک و اعتبارسنجی این فرآیند هستند تا از پایداری و واقعی بودن نتایج اطمینان حاصل کنند.

#### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

در نتیجه تحقیق و صحبت با پشتیبانی، به این درک رسیدم که از دید رابین‌سود، مهم‌ترین چیز «چگونه سود کردن» است، نه «چقدر سود کردن». قانون حداقل روزهای معاملاتی، در واقع ابزاری است برای سنجش همین «چگونه».

---

### ۳. رفتار معاملاتی از چه پارامترهایی سنجش می‌شود؟

سؤال بعدی من این بود که: «این رفتار معاملاتی که این قدر روی آن تأکید می‌شود، دقیقاً با چه معیارهای قابل اندازه‌گیری سنجیده می‌شود؟»

طبق توضیحاتی که در قوانین داخلی رابین‌سود و از پشتیبانی گرفتم، رفتار معاملاتی از طریق شش پارامتر کلیدی سنجش می‌شود که سه جنبه اصلی معاملات را پوشش می‌دهند: حجم معاملات، زمان معاملات و اثر مالی معاملات.

#### الف) جنبه حجم معاملات (Volume Aspect)

##### • مجموع حجم معاملات روزانه (Total Daily Trading Volume):

نشان‌دهنده میزان فعالیت کلی تریدر در یک روز است. حجم بالا می‌تواند نشانه معاملات فعال باشد، اما باید با سایر پارامترها سنجیده شود تا از معاملات صرفاً نمایشی جلوگیری شود.

##### • میانگین حجم معاملات در هر روز (Average Daily Trading Volume):

این پارامتر حجم معاملات را در طول دوره چالش نرمال‌سازی می‌کند و تصویر واقعی‌تری از میانگین سطح فعالیت تریدر ارائه می‌دهد. این شاخص از نوسانات یک روز خاص جلوگیری می‌کند.

#### ب) جنبه زمان معاملات (Time Aspect)

##### • مجموع زمان معاملات در هر روز (Total Trading Time per Day):

مدت زمانی که تریدر در طول یک روز معاملاتی صرف معاملات کرده است. این می‌تواند شامل زمان باز نگه داشتن پوزیشن‌ها یا صرفاً زمان صرف شده برای تحلیل و ورود/خروج باشد.

- میانگین زمان معاملات در هر روز (Average Trading Time per Day):

مشابه میانگین حجم، این پارامتر نیز زمان معاملات را نرمال‌سازی کرده و نمایانگر میانگین میزان صرف وقت تریدر برای معاملات است.

### ج) جنبه اثر مالی معاملات (Financial Impact Aspect)

- قدر مطلق برابند روزانه (Absolute Daily Balance Change):

این پارامتر، میزان تغییر کلی بالانس حساب (چه سود و چه ضرر) را در یک روز نشان می‌دهد. استفاده از «قدر مطلق» (Absolute Value) اهمیت دارد، زیرا صرف‌نظر از جهت سود یا ضرر، میزان «حرکت» حساب را می‌سنجد. این نشان می‌دهد معاملات تریدر در آن روز چقدر روی سرمایه او تأثیر گذاشته است.

- میانگین قدر مطلق برابند معاملات در هر روز (Average Absolute Balance Change per Trade):

این شاخص به میانگین تأثیر هر معامله منفرد بر بالانس حساب می‌پردازد. این پارامتر بسیار مهم است؛ زیرا از معاملاتی با تأثیر مالی بسیار ناچیز (که ممکن است صرفاً برای پر کردن روز انجام شوند) جلوگیری می‌کند. معاملات واقعی، حتی اگر سودآور نباشند، باید تأثیر قابل‌توجهی بر بالانس داشته باشند. پشتیبانی رابین‌سود صریحاً اشاره کرده بود که این معیار دقیقاً برای «زدن تیک روز» بدون ریسک واقعی طراحی شده است.

این شش پارامتر با هم یک دید سه‌بعدی و جامع از رفتار تریدر ارائه می‌دهند و از اتکا به یک معیار واحد (مانند سود) جلوگیری می‌کنند.

### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

برداشت من این است که رابین‌سود تلاش کرده با این شش پارامتر، یک مدل رفتارشناسانه «کمی» بسازد که هم حجم، هم زمان و هم تأثیر مالی معاملات را پوشش دهد تا عملاً «ترندهای پر کردن روز» و «سود شانس» بسیار سخت‌تر شود.

---

### ۴. از نظر آمار و ریاضی این قانون چه می‌گوید؟

برای من مهم بود بدانم آیا این قانون فقط بر اساس تجربه و سلیقه طراحی شده یا پشت آن، منطق آماری مشخصی هم وجود دارد. پشتیبانی رابین‌سود توضیح داد که طراحی بازه‌های مجاز برای حجم، زمان و برابند، تا حد زیادی بر پایه مفاهیم ساده اما مهم آماری انجام شده است.

از منظر آماری و ریاضی، این قانون بر پایه مفاهیم زیر بنا شده است:

- قانون اعداد بزرگ (Law of Large Numbers):

انتظار می‌رود که در تعداد معاملات زیاد، نتایج به میانگین مورد انتظار نزدیک شود. این قانون اساس کارکرد بسیاری از استراتژی‌های معاملاتی است. قانون حداقل روزهای معاملاتی، با الزام به داشتن تعداد مشخصی روز معاملاتی تأیید شده، اطمینان حاصل می‌کند که عملکرد تریدر بر اساس تعداد کافی نمونه (معاملات و روزها) سنجیده می‌شود، نه بر اساس چند اتفاق.

## • میانگین و انحراف معیار (Mean and Standard Deviation):

تعریف «بازه مجاز» ( $x\%$  کمتر تا  $x\%$  بیشتر از میانگین) مستقیماً از مفاهیم آماری میانگین و پراکنندگی (انحراف معیار یا درصدی از میانگین) بهره می‌برد. این بازه، دامنه قابل قبولی از نوسانات طبیعی رفتار معاملاتی را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، الگوریتم تلاش می‌کند بفهمد آیا رفتار تریدر در یک روز خاص، در محدوده «نرمال» رفتار او در طول دوره چالش قرار دارد یا خیر.

به زبان ساده، اگر میانگین حجم روزانه تریدر را با نماد AvgVolume نشان دهیم، و پارامتر  $x\%$  را به عنوان دامنه مجاز نوسان بدانیم، حجم معاملات در یک روز خاص (DailyVolume) باید در بازه زیر قرار گیرد تا آن روز از منظر حجم تأیید شود:

$$(1 - x\%) \times \text{AvgVolume} \leq \text{DailyVolume} \leq (1 + x\%) \times \text{AvgVolume}$$

ایده مشابهی برای زمان و برابری نیز اجرا می‌شود.

## • مدل‌سازی رفتار (Behavioral Modeling):

این قانون تلاش می‌کند یک مدل آماری از رفتار «نرمال» و «پایدار» یک تریدر بسازد، سپس با مقایسه رفتار هر روز با این مدل، انحرافات قابل توجه را شناسایی کند.

## • نرمال‌سازی (Normalization):

استفاده از میانگین‌ها (میانگین حجم، میانگین زمان، میانگین برابری) به نرمال‌سازی داده‌ها کمک می‌کند. این کار باعث می‌شود عملکرد تریدر در دوره‌های زمانی مختلف (مثلاً شروع چالش در مقابل انتهای آن) قابل مقایسه باشد و اثرات مربوط به حجم کلی معاملات یا مدت زمان چالش کاهش یابد.

## • تحلیل پرت (Outlier Analysis):

معاملات یا روزهایی که پارامترهایشان خارج از بازه مجاز قرار می‌گیرد، به نوعی «داده پرت» (Outlier) در نظر گرفته می‌شوند. قانون تلاش می‌کند با سنجش تکرارپذیری رفتار نرمال، از تأثیر این داده‌های پرت (که ممکن است ناشی از معاملات نمایشی یا اتفاقی باشند) بکاهد.

به طور خلاصه، این قانون با استفاده از ابزارهای آماری، سعی در تعریف و اندازه‌گیری «عادی بودن» و «تکرارپذیری» رفتار معاملاتی دارد تا بتواند میان تریدرهای واقعاً ماهر و کسانی که صرفاً به دنبال عبور از فیلترهای اولیه هستند، تمایز قائل شود. این همان چیزی است که در بسیاری از منابع کلاسیک مدیریت ریسک و معاملات الگوریتمی نیز دیده می‌شود (برای مثال: *Hull, Options, Futures, and Other Derivatives*, *Taleb, Fooled by Randomness*).

## جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

بر اساس توضیح پشتیبانی و تطبیق آن با مفاهیم آماری، به این نتیجه رسیدم که قانون حداقل روزهای معاملاتی فقط یک «فیلتر ظاهری» نیست، بلکه یک مدل آماری ساده اما هوشمند برای سنجش ثبات رفتاری من است.

---

۵. از نظر منطق رفتارشناسی، این قانون چه می‌گوید و چقدر درست است؟

از منظر رفتارشناسی (Behavioral Science) و روان‌شناسی معاملات (Trading Psychology)، این قانون به چند نکته کلیدی اشاره دارد:

### • مغالطه قمارباز (Gambler's Fallacy) و شانس:

انسان‌ها ذاتاً تمایل دارند الگوها را در داده‌های تصادفی ببینند (Apophenia). در معاملات، این می‌تواند منجر به تصور این شود که یک «روند» یا «شانس خوب» در حال وقوع است. قانون حداقل روزهای معاملاتی، با تأکید بر تکرارپذیری در یک «بازه طبیعی»، با این تمایل به قضاوت بر اساس اتفاقات نادر یا شانس مقابله می‌کند. این قانون می‌گوید که سود یا عملکرد خوب باید بخشی از یک الگوی پایدار باشد، نه یک اتفاق منفرد.

### • اثر نمایشی (Show-off Effect) و نیاز به تأیید:

گاهی تریدرها، به‌خصوص در ابتدای مسیر، نیاز دارند توانایی خود را «نشان دهند». این می‌تواند منجر به معاملات پرریسک، نمایش حجم بالا یا ورود و خروج‌های متعدد شود که لزوماً سودآور یا پایدار نیستند. این قانون با سنجش پارامترهایی فراتر از سود (مثل اثر مالی هر معامله و حجم)، از معاملاتی که صرفاً برای «نمایش» انجام می‌شوند، جلوگیری می‌کند.

### • مدیریت خودکار (Self-Regulation) و انضباط:

رفتارشناسی نشان می‌دهد که انضباط، کلید موفقیت در بسیاری از فعالیت‌ها، از جمله معاملات است. قانون حداقل روزهای معاملاتی، تریدر را مجبور می‌کند یک رویکرد منظم و باثبات را در پیش بگیرد. تریدر نمی‌تواند صرفاً با چند معامله خوب یا بد، چالش را پشت سر بگذارد؛ بلکه باید در طول زمان رفتاری را از خود نشان دهد که پایدار و قابل اتکاست. این امر به پرورش انضباط معاملاتی کمک می‌کند.

### • اجتناب از قضاوت زود هنگام (Avoiding Premature Judgment):

انسان‌ها تمایل دارند بر اساس اطلاعات محدود، قضاوت‌های قطعی انجام دهند. یک یا دو معامله سودآور دلیلی بر مهارت یک تریدر نیست. این قانون، با نیاز به تأیید شش پارامتر در چندین روز معاملاتی مجزا، از قضاوت زود هنگام جلوگیری کرده و بر ارزیابی بلندمدت‌تر و جامع‌تر تمرکز دارد.

### درست بودن قانون از دید رفتارشناسی:

این قانون تا حد زیادی درست است، زیرا به ریشه‌های اصلی موفقیت پایدار در معاملات می‌پردازد: انضباط، مدیریت ریسک و تکرارپذیری. این قانون تلاش می‌کند از دام‌های روانی رایج در معاملات (مثل شانس‌محوری، ریسک‌پذیری بیش از حد و معاملات نمایشی) جلوگیری کند. اما «درست بودن» آن به اجرای دقیق و تعریف معقول پارامترها (مانند  $x\%$  در بازه مجاز و تعداد روزهای تأیید) بستگی دارد. اگر این پارامترها بیش از حد سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه تعریف شوند، ممکن است کارایی خود را از دست بدهند. (در چالش‌های رابین سود این بازه 20% کمتر و بیشتر از میانگین است)

### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

بر اساس مطالعات روان‌شناسی معامله‌گری (مانند کارهای Mark Douglas و Brett Steenbarger) و نیز تجربه شخصی، این قانون از دید رفتارشناسی یک تلاش هوشمندانه برای جدا کردن «موفقیت اتفاقی» از «مهارت پایدار» است و عملاً تریدر را مجبور می‌کند روی خودانضباطی و مدیریت ریسک کار کند.

مطمئن‌تر بودن در این سنجش، به دلایل متعددی افزایش می‌یابد:

- **تمرکز بر توانایی‌های قابل یادگیری و تکرارپذیر:**

قانون به جای تکیه بر «شانس» یا «ذاتاً تریدر بودن»، بر پارامترهایی تمرکز دارد که قابل یادگیری، تمرین و تکرار هستند: انضباط در حجم معاملات، پایبندی به استراتژی زمانی و مدیریت ریسک در هر معامله. تریدرانی که این توانایی‌ها را دارند، احتمالاً در بلندمدت موفق خواهند بود.

- **کاهش خطای انسانی ناشی از احساسات:**

با سنجش پارامترهای کمی و قابل اندازه‌گیری، اثر قضاوت‌های ذهنی و احساسی در ارزیابی تریدر کاهش می‌یابد. پنل آنالیز، داده‌ها را عینی‌تر ارائه می‌دهد.

- **شناسایی تریدرهای صبور و منضبط:**

توانایی رعایت این قانون، نشان‌دهنده صبر و انضباط بالای تریدر است. این صفات برای موفقیت بلندمدت در بازارهای مالی حیاتی هستند. تریدرانی که قادر به کنترل میل به معاملات زیاد یا پرریسک نیستند، احتمالاً در بلندمدت شکست خواهند خورد.

- **کشف الگوهای رفتاری مثبت:**

با تحلیل شش پارامتر، می‌توان الگوهای رفتاری مثبتی را که منجر به ثبات می‌شوند، شناسایی کرد. مثلاً تریدرانی که میانگین حجم معاملاتشان با «قدر مطلق برابند هر معامله» همخوانی دارد، احتمالاً معاملات منطقی انجام می‌دهند.

- **فیلتر کردن تریدرهای «آماتور» یا «نمایشی»:**

بسیاری از تریدرهای تازه‌کار یا کسانی که دنبال سود سریع هستند، ممکن است نتوانند این پارامترها را در طول چالش رعایت کنند. این قانون به‌عنوان یک فیلتر عمل کرده و اطمینان می‌دهد که تنها تریدرانی که قادر به حفظ یک سطح استاندارد از رفتار معاملاتی هستند، به مراحل بعدی راه می‌یابند.

- **مدیریت ریسک برای پراپ‌فرم:**

از دیدگاه پراپ‌فرم، این قانون اطمینان می‌دهد که سرمایه آن‌ها در اختیار تریدرانی قرار می‌گیرد که احتمال کمتری دارد با انجام معاملات پرریسک یا غیرمنضبط، کل سرمایه را از دست بدهند. این امر به مدیریت ریسک کلی مجموعه کمک می‌کند.

- **میزان اطمینان:**

این قانون به‌طور قابل توجهی اطمینان‌بخشی را افزایش می‌دهد، اما ۱۰۰٪ مطلق نیست. هیچ سیستمی نمی‌تواند تمام جوانب را پوشش دهد. ممکن است تریدری با رفتار معاملاتی خوب، همچنان به دلایل دیگری (مانند بدشانسی مداوم، یا یک استراتژی که در شرایط خاص بازار کارایی ندارد) شکست بخورد. اما این قانون، یکی از قوی‌ترین و معتبرترین فیلترها برای شناسایی تریدرهای بالقوه موفق و پایدار است.

- **جمع‌بندی شخصی من از این بخش:**

به‌طور شخصی، بعد از فهم این منطق، این قانون را بیشتر شبیه یک «امتحان رفتار» می‌بینم تا یک مانع اضافی. کسی که بتواند در این چارچوب عملکرد خوبی داشته باشد، از نظر من احتمالاً همان تریدری است که در حساب لایو هم دوام می‌آورد.

## ۷. از نظر منطق بازارهای مالی این قانون چطور است؟

بعد از بررسی آماری و رفتاری، برای من طبیعی بود که این سؤال را بپرسم: «آیا این قانون با منطق کلی بازارهای مالی و رابطه ریسک-بازده هم‌راستا است؟»

از منظر منطق حاکم بر بازارهای مالی، این قانون با اصول بنیادین زیر هم‌راستا است:

### • بازده و ریسک متناسب (Risk-Return Trade-off):

بازارهای مالی به‌طور کلی، بازده بالاتر را با ریسک بالاتر همراه می‌کنند. قانون حداقل روزهای معاملاتی، با سنجش «قدر مطلق برابری روزانه/معامله»، عملاً به دنبال اطمینان از این است که هرگونه سودآوری با ریسک قابل قبولی همراه بوده و صرفاً نتیجه معاملات «کم‌ریسک بی‌اثر» یا «پرریسک شانس» نیست. همچنین از معاملات پرریسکی که ممکن است به سرعت بالانس را تغییر دهند (چه مثبت و چه منفی) اما پایدار نباشند، جلوگیری می‌کند.

### • کارایی بازار (Market Efficiency):

اگرچه درجه کارایی بازارها محل بحث است، اما ایده اصلی این است که قیمت‌ها اطلاعات موجود را منعکس می‌کنند. موفقیت پایدار در چنین بازارهایی نیازمند درک عمیق‌تر، استراتژی‌های معاملاتی قوی و مدیریت ریسک است، نه صرفاً بهره‌برداری از نوسانات لحظه‌ای یا معاملات شانسی. این قانون، با فیلتر کردن معاملات شانسی یا نمایشی، بر نیاز به استراتژی‌های واقعی و پایدار تأکید دارد.

### • مدیریت سرمایه (Capital Management):

بقا و موفقیت در بازارهای مالی، بیش از هر چیز به مدیریت سرمایه وابسته است. این قانون، با سنجش حجم معاملات و اثر مالی، به‌طور غیرمستقیم تریدر را به سمت مدیریت سرمایه صحیح هدایت می‌کند. تریدر نمی‌تواند با حجم‌های بسیار بالا یا بسیار پایین و بی‌هدف معامله کند.

### • پایداری و تکرارپذیری (Sustainability and Repeatability):

بازارهای مالی میدانی برای آزمون استراتژی‌ها در طول زمان هستند. تنها استراتژی‌هایی که در شرایط مختلف بازار قادر به تکرار موفقیت خود باشند، پایدار تلقی می‌شوند. این قانون، با تأکید بر «تکرار رفتار معاملاتی» در یک بازه طبیعی، بر همین اصل پایداری استوار است.

### • تفاوت بین تریدر و سرمایه‌گذار:

این قانون بیشتر برای تریدرهایی طراحی شده که به دنبال کسب سود از نوسانات کوتاه‌مدت تا میان‌مدت هستند. سرمایه‌گذاران بلندمدت ممکن است الزامات متفاوتی داشته باشند. این قانون، منطق معاملاتی فعال (Active Trading) را منعکس می‌کند که نیازمند انضباط و الگوی معاملاتی مشخص است.

### • نحوه هم‌راستایی با منطق بازار:

این قانون با منطق بازارهای مالی هم‌راستا است، زیرا:

- «سود شانسی» را از «سود مبتنی بر مهارت» جدا می‌کند.
- بر اهمیت «مدیریت ریسک» که ستون فقرات بقا در بازار است تأکید دارد.

- «تکرارپذیری» عملکرد را به عنوان معیار اصلی موفقیت در نظر می‌گیرد، نه صرفاً یک نتیجه خوب.
- از معاملات «غیرمنطقی» یا «غیرواقعی» جلوگیری می‌کند که در بازارهای کار، به مرور زمان حذف می‌شوند.

بنابراین، این قانون نه تنها منطقی است، بلکه جزء لاینفک ارزیابی حرفه‌ای تریدران در چارچوب پراپ‌فرم‌ها محسوب می‌شود.

### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

از دید من، این قانون یک ترجمه عملی از مفاهیم کلاسیک ریسک‌بازده و مدیریت سرمایه به زبان روزمره عملکرد تریدر است. اگر آن را درست بفهمیم، بیشتر شبیه یک «ابزار ارتقای کیفیت» است تا مانع.

## ۸. از نظر عملیاتی، این سیستم چقدر کارآمد است؟

از نظر عملیاتی و اجرایی، این سیستم بسیار کارآمد است، به شرطی که پیاده‌سازی آن به درستی انجام شود:

### • قابلیت اندازه‌گیری عینی:

تمام شش پارامتر تعریف‌شده، مقادیر کمی هستند که به راحتی از طریق پنل معاملاتی یا نرم‌افزارهای تحلیلی قابل استخراج و محاسبه‌اند. این امر، ارزیابی را از حالت ذهنی خارج کرده و به یک فرآیند عینی و قابل تکرار تبدیل می‌کند. (که این موارد در پنل آنالیز چالش‌ها قابل مشاهده است)

### • اتوماسیون بالا:

محاسبه این پارامترها، تعریف بازه‌های مجاز و بررسی روزانه/هفتگی وضعیت تریدر، می‌تواند به‌طور کامل توسط نرم‌افزار و بدون نیاز به دخالت انسانی انجام شود. این امر، راندمان پراپ‌فرم را بالا برده و هزینه‌های عملیاتی را کاهش می‌دهد.

### • شفافیت برای تریدر:

اگر تریدر به پنل آنالیز خود دسترسی داشته باشد و بتواند پارامترها، میانگین‌ها، بازه‌های مجاز و وضعیت تأیید هر روز را مشاهده کند، این سیستم شفافیت بالایی خواهد داشت. تریدر دقیقاً می‌داند کجای کار قرار دارد و برای پاس شدن چالش به چه چیزی نیاز دارد. این شفافیت، انگیزه و تمرکز تریدر را افزایش می‌دهد. (در پنل آنالیز چالش‌های رابین سود این مورد در هر لحظه قابل دسترس و بررسی است)

### • انعطاف‌پذیری در تعریف پارامترها:

پارامترهایی مانند «%x» برای تعریف بازه مجاز و «۵ روز» برای حداقل تأیید، قابل تنظیم هستند. پراپ‌فرم‌ها می‌توانند بر اساس سطح ریسک‌پذیری خود و نوع تریدرانی که جذب می‌کنند، این پارامترها را تعدیل کنند.

### • جلوگیری از تقلب‌های رایج:

معاملات نمایشی، حجم‌های بسیار پایین یا معاملات چندثانیه‌ای که معمولاً برای «پر کردن روز» انجام می‌شوند، به‌سختی می‌توانند شش پارامتر تعریف‌شده را به‌طور معناداری تأیید کنند. این امر، کارایی سیستم را در جلوگیری از تقلب‌های رایج افزایش می‌دهد.

## • قابلیت اجرا در حساب‌های واقعی (Real Accounts):

همان‌طور که در متن اصلی اشاره شده، این سیستم حتی در حساب‌های واقعی نیز قابل اجراست. این امر نشان‌دهنده بلوغ و کارایی بالای آن است، زیرا در حساب واقعی، مدیریت ریسک و پایداری اهمیت حیاتی‌تری پیدا می‌کند.

### چالش‌های عملیاتی احتمالی

#### • نیاز به زیرساخت فنی قوی:

برای جمع‌آوری دقیق داده‌ها و اجرای محاسبات در زمان واقعی، پراپ‌فرم نیازمند یک سیستم آنالیز قوی و قابل اعتماد است. (این مورد توسط پنل آنالیز رابین سود انجام میشود)

#### • تنظیم دقیق پارامترها:

یافتن مقادیر بهینه برای «X%» و تعداد روزهای تأیید، نیازمند تحلیل و تست است تا هم سیستم بیش از حد سخت‌گیر نباشد و هم تریدران ضعیف را رد کند.

با وجود این چالش‌های جزئی، سیستم کلی کارآمد و قابل اجرا است و به پراپ‌فرم‌ها کمک می‌کند تا تریدران حرفه‌ای و پایدار را شناسایی کنند.

#### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

برداشت من این است که اگر زیرساخت فنی خوب باشد و پارامترها درست تنظیم شوند، این سیستم از نظر عملیاتی هم به نفع پراپ‌فرم است و هم به نفع تریدرهایی که واقعاً رفتار حرفه‌ای دارند.

## ۹. اگر پراپ‌فرم واقعاً قصد جذب تریدر درست داشته باشد، این قانون چه تأثیری دارد؟

اگر هدف یک پراپ‌فرم، جذب تریدران واقعاً ماهر، منضبط و پایدار باشد، این قانون تأثیر بسیار مثبتی خواهد داشت:

### • جذب استعدادها واقعی:

این قانون به‌جای جذب کسانی که صرفاً شانس خوبی دارند یا ریسک‌های غیرمسئولانه می‌کنند، تریدرانی را جذب می‌کند که دارای استراتژی‌های معاملاتی پایدار، مدیریت ریسک قوی و انضباط لازم هستند. این همان تریدران «درست» هستند که هر پراپ‌فرمی به دنبال آن‌هاست.

### • ایجاد فرهنگی مبتنی بر انضباط و مدیریت ریسک:

وجود چنین قانونی، سیگنال روشنی به جامعه تریدرها می‌فرستد که این پراپ‌فرم به اصول حرفه‌ای پایبند است. این امر باعث می‌شود تریدرانی که به این اصول اهمیت می‌دهند، بیشتر جذب شوند و افرادی که به دنبال رویکردهای غیرمسئولانه هستند، خودبه‌خود کنار گذاشته شوند.

### • افزایش پایداری سرمایه تحت مدیریت:

تریدرانی که از این فیلتر عبور می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که بتوانند سودآوری پایدار داشته باشند و از سرمایه تخصیص داده شده به بهترین نحو استفاده کنند. این امر به سلامت و پایداری مالی خود پراپ‌فرم کمک می‌کند.

#### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

به‌طور شخصی، اگر ببینم یک پراپ‌فرم چنین چارچوبی دارد، بیشتر به جدی بودن آن مجموعه و نگاه بلندمدتش اعتماد می‌کنم. برای تریدری که به دنبال یک رابطه بلندمدت با پراپ‌فرم است، این نوع قوانین بیشتر نشانه جدیت است تا محدودیت.

## ۱۰. از نظر مولفه‌های اصلی و شناخته شده بازارهای مالی، این قانون چقدر می‌تواند درست باشد؟

این قانون با مولفه‌های اصلی و شناخته شده بازارهای مالی هم‌راستا و تا حد زیادی درست است:

- **مدیریت ریسک (Risk Management):** این مولفه، سنگ بنای بقا و موفقیت در بازارهای مالی است. پارامترهایی مانند "قدر مطلق برابری روزانه" و "میانگین قدر مطلق برابری معاملات" مستقیماً به سنجش میزان ریسکی که تریدر در هر معامله و در طول روز می‌پذیرد، می‌پردازند. قانون، ریسک‌پذیری کنترل شده و پایدار را ترویج می‌دهد.
- **انضباط (Discipline):** یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت. قانون، تریدر را وادار می‌کند تا از انجام معاملات هیجانی یا صرفاً برای پر کردن روز اجتناب کند و به یک الگوی رفتاری پایدار پایبند باشد. این انضباط، کلید اجرای استراتژی در بلندمدت است.
- **تکرارپذیری استراتژی (Strategy Repeatability):** بازارهای مالی، صحنه‌ی آزمون استراتژی‌ها هستند. موفقیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که یک استراتژی بتواند در شرایط مختلف بازار، نتایج مشابه یا قابل قبولی را تکرار کند. قانون حداقل روزهای معاملاتی، با تأکید بر تأیید پارامترها در روزهای مختلف، بر همین اصل تکرارپذیری استوار است.
- **مدیریت سرمایه (Capital Management):** پارامترهایی مانند حجم معاملات، مستقیماً با نحوه‌ی مدیریت سرمایه توسط تریدر در ارتباط هستند. تریدر نمی‌تواند با ریسک‌های نامتناسب با سرمایه خود معامله کند.
- **روانشناسی بازار (Market Psychology):** درک رفتار تریدران و احساسات حاکم بر بازار، برای موفقیت حیاتی است. این قانون، با تمرکز بر رفتار تریدر و جلوگیری از تأثیرگذاری احساسات (مانند طمع یا ترس) در معاملات نمایشی، به جنبه‌ی روانشناسی بازار نیز توجه دارد.
- **پایداری (Sustainability):** موفقیت در بازارهای مالی، پایدار است نه یکباره. قانون، با فیلتر کردن سودهای شانسی یا پرریسک، بر روی پایداری عملکرد تریدر تمرکز می‌کند.

### میزان درستی:

این قانون به‌درستی، جنبه‌های کلیدی و شناخته‌شده بازارهای مالی را پوشش می‌دهد. این قانون صرفاً به سودآوری که می‌تواند حاصل عوامل ناپایدار باشد اکتفا نمی‌کند، بلکه بر فرآیند و رفتاری تمرکز دارد که منجر به سودآوری پایدار می‌شود. بنابراین، از نظر مولفه‌های اصلی بازار، این قانون بسیار درست و منطقی است.

### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

با توجه به مفاهیم کلاسیک مدیریت ریسک، روانشناسی معاملات و کارایی بازار، من این قانون را از نظر تئوریک هم منطقی می‌دانم؛ به‌شرطی که پارامترهایش درست کالیبره شوند.

## ۱۲. از نظر فعالان برتر بازارهای مالی، وجود چنین چارچوبی چقدر می‌تواند اثرگذار باشد؟

فعالان برتر بازارهای مالی (مانند مدیران صندوق‌های پوشش ریسک، معامله‌گران حرفه‌ای با سابقه طولانی و تحلیل‌گران ارشد) به‌شدت بر اهمیت چارچوب‌هایی مانند این قانون تأکید دارند. اثرگذاری این چارچوب برای آن‌ها به شرح زیر است:

### • اعتبارسنجی واقعی استعداد:

فعالان باتجربه می‌دانند که سود یک تریدر تازه‌کار می‌تواند گمراه‌کننده باشد. وجود چارچوبی که بر رفتار معاملاتی، انضباط و پایداری تمرکز دارد، به آن‌ها اطمینان می‌دهد که تریدر مورد نظر صرفاً خوش‌شانس نبوده، بلکه دارای مهارت‌های واقعی و قابل اتکاست.

### • کاهش ریسک سرمایه‌گذاری:

پراپ‌فرم‌ها و مؤسسات مالی بزرگ، سرمایه‌های هنگفتی را مدیریت می‌کنند. آن‌ها به دنبال تریدرانی هستند که ریسک سرمایه را به حداقل برسانند. چارچوبی که رفتارهای پرریسک را شناسایی و فیلتر می‌کند، به‌طور مستقیم به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری کمک می‌کند.

### • افزایش بهره‌وری و بازدهی بلندمدت:

تریدرانی که با چنین چارچوب‌هایی سنجیده و انتخاب می‌شوند، احتمالاً در بلندمدت عملکرد بهتری خواهند داشت. این امر منجر به افزایش بهره‌وری کلی تیم معاملاتی و بازدهی بالاتر برای مؤسسه می‌شود.

### • ایجاد فرهنگ حرفه‌ای‌گری:

وجود چنین چارچوب‌هایی، فرهنگ حرفه‌ای‌گری، انضباط و مسئولیت‌پذیری را در میان تریدران ترویج می‌دهد. فعالان برتر، به‌خوبی از تأثیر فرهنگ سازمانی بر موفقیت بلندمدت آگاهند.

### • استانداردسازی فرآیند ارزیابی:

این قانون، یک معیار استاندارد و قابل تکرار برای ارزیابی تریدران فراهم می‌کند. این امر، فرآیند استخدام و ارزیابی را عادلانه‌تر، شفاف‌تر و کارآمدتر می‌سازد.

### • شناسایی الگوهای موفق:

فعالان باتجربه، به دنبال شناسایی و پرورش تریدرانی هستند که الگوهای رفتاری موفق و پایدار را از خود نشان می‌دهند. این قانون، ابزاری برای شناسایی این الگوها فراهم می‌کند.

به‌طور خلاصه، فعالان برتر بازار، این چارچوب را نه تنها مفید، بلکه ضروری می‌دانند. آن‌ها اهمیت «چگونگی» کسب سود را به اندازه «میزان» سود می‌دانند و این قانون دقیقاً بر همین «چگونگی» تمرکز دارد. این چارچوب به آن‌ها اطمینان می‌دهد که سرمایه‌شان را در اختیار افرادی قرار می‌دهند که شانس موفقیت بلندمدت بالایی دارند.

### جمع‌بندی شخصی من از این بخش:

به نظر من هم اگر بخواهم از زاویه یک مدیر سرمایه نگاه کنم، داشتن چنین چارچوبی برای انتخاب تریدر، تقریباً اجتناب‌ناپذیر است؛ مخصوصاً وقتی سرمایه‌ای واقعی در میان باشد.

در ابتدای مسیر، قانون حداقل روزهای معاملاتی برای من بیشتر شبیه یک محدودیت اضافی و مانعی بر سر راه عبور از چالش بود. اما بعد از:

- مطالعه دقیق‌تر مستندات رایبیسود،
- گفت‌وگو با پشتیبانی و منتور رایبیسود و شنیدن توضیحات آن‌ها درباره منطق طراحی این قانون،
- و تطبیق این توضیحات با مفاهیم آماری، رفتارشناسی و منطق بازارهای مالی،

نگاه من به‌طور جدی تغییر کرد.

امروز این قانون را بیشتر به‌عنوان یک «فیلتر رفتاری» می‌بینم که تلاش می‌کند تریدرهایی را شناسایی کند که نه‌فقط در چند روز خاص، بلکه در یک بازه زمانی معنادار، رفتار منضبط، قابل پیش‌بینی و سازگار با اصول مدیریت ریسک دارند.

از نظر من:

- این قانون اگر درست تعریف و درست فهمیده شود،
- هم به نفع پراپ‌فرم است (مدیریت ریسک و کیفیت تریدرها)،
- و هم به نفع خود تریدر است، چون او را مجبور می‌کند روی مهارت‌های پایدار و قابل تکرار کار کند، نه فقط روی «نتیجه کوتاه‌مدت».

البته هیچ چارچوبی کامل و بدون نقص نیست؛ همیشه احتمال خطا، بدشانسی یا شرایط استثنایی بازار وجود دارد. اما بر اساس تحقیقی که انجام دادم و گفت‌وگوهایی که با پشتیبانی رایبیسود داشتم، جمع‌بندی شخصی من این است که:

قانون حداقل روزهای معاملاتی، اگر با درک درست از منطق پشت آن اجرا شود، یکی از قوی‌ترین و عادلانه‌ترین ابزارها برای تفکیک تریدرهای اتفاقی از تریدرهای حرفه‌ای و پایدار است.